



چند سروده طبری، نیسابوری و بهلوی

ایرج افشار

به دو مناسبت: چاپ کردن جلد اول از مسائل پاریسیه شادروان محمد قزوینی – که تا کنون به چاپ آن موفق نشده بودم – و دست یافتن به جنگ خطی مورخ ۶۵۱ (تاریخ مذکور زیر یکی از اجزاء آن در صفحه ۱۵۳) متعلق به کتابخانه آیة‌الله مرعشی در قم^۱ به چند دویتی محلی دست یافته‌ام و چون انتشار آنها را برای پژوهیدن و کاویدن گویش‌شناسان سودمند می‌دانم متن آنها را به همان وضعی که در جای خود آمده و رعایت دقیق در مورد بی‌ نقطگی کلمات در اینجا به چاپ می‌رساند:

الف) منقولات محمد قزوینی در مسائل پاریسیه^۲

در نسخه نظامی کتابخانه ملی پاریس (Suppl. Pers. 1817)، بین مخزن الاسرار و خسر و شیرین قریباً ۲۲ رباعی خیام مسطور است، با خطی غیر از خط کاتب اصلی نظامی که در سنه ۷۶۳ نوشته شده، ولی باز خطی قدیم است و گویا، اگر درست خوانده باشم، رقم محو شده آخر ابیات در حدود ۹۱۱ هجری نوشته شده است.

در همین نظامی، بین دو اسکندرنامه چند دویتی طبری دارد، باز به خط الحاقی، ولی نسبتاً قدیم و هذا نصّه:

۱) عکسی از آن را آقای دکتر سید محمود مرعشی متولی و مدیر دانشمند کتابخانه در اختیارم گذاشده‌اند و برای معرفی تفصیلی آن مقاله‌ای نوشته‌ام که در مجله میراث شهاب به چاپ می‌رسد.
۲) با همکاری دوست دانشمند علی محمد هنر تا چندی دیگر منتشر خواهد شد.

طبری لامیر افراسیاب

نیوود؟ نوچه؟
آن عهد که گُردی آمن تو نوچه آهنک
ها دانستمه جا راست نبی چر (یا چه) خور رنک
از کس؟ دارم؟ ای شیر؟ بیا بجنگ؟
این سان مرد بکیتی سکشی کسی ننک
چون دل بلنکی دارمه او شیر بیا چنک

نخچیر؟ در یمه بکونر پلنک کوهساری
نچیر کن ای کرد و ورشی حصاری
کین مرا؟ کین بدل هُو کشت داری
(کذا بی نقطه) - رسن و درخت
ویم بو که اسیر سورشی و داری
هر کس که منی کین بدل هُو کشت داری
امیر داود فرماید

دشمن
بکو دشمند راشی تن به واک نه جوشن
من آیم بتی کینه دیوشی جوشن
(کذا)
مردم به دسنه نام کردن ور کوشن
تو نام بهشتی ننک بگُردی بروشن
حسن کیا مسجین فرماید

چشم من چشم تو می بیند
این روشن کیهان می چش به تی چش وینی
دلی کامه دامی دل ترا و جینی
دو چشم بلا
این روشن کیهان می چش به تی چش وینی
یارب دو بلا چش منی واک چینی

سودابیه می چش سودای تی چش
صی چشمه مرا رای بکیت وار ای چش
نرکیسه چش دادیه می چش تی چش
آن روج که این می دو چش نه وینی تی چش

(دهن)
بوی یاسنها دمن مشکی به تی کش
نه تونند به می دل کشتن تی عشق تش
نرکیسه چش آزورمه بتی لو خوش
خوبان هر چندها خوانند مرا سوروش
وزن این «رباعیات» گویا وزن مخصوص ملّی ایرانیان (یا اقلًاً طبریها) باشد و از بحور
خلیل بن احمد گویا به کلی خارج است.
(ص ۱۸۱-۱۸۳)

۳) کلماتی که با حروف ریز بالای ایيات آمده احتمالات قزوینی است که به خط مدادی نوشته است.

ب) دویستی در جنگ ۶۵۱

بلسان البهلوی

ببرمانا شبی بودا به سنی مهم با میته خون و خا بهیمی
سروازی چمن کی با ندارد اکر خوازی دوازم دا بهمنی
(ص ۱۸۰)

بلسان نیسابوری

زان سو بوکی دوش سافم بوبو کفتم دزدست^۴ نبو بو بوبو
ما وقت نمار حودمان می بو بو سرما آفبو ور خاستبو وا بشو بو
(ص ۲۰۷)

ظاهراً تا کنون در جای دیگر نمونه‌ای از گویش نیشابوریان مربوط به پیش از سال ۶۵۱ ضبط نشده است. امید است برای دوست دانشمندم دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی تازگی داشته باشد.



۴) یک کلمه بالای آن نوشته شده ولی سیاه شده است.